



۲۰۱۸/۱۲/۱۲



مسعود فارانی

عارف "عزیز" و کتاب «فرهنگ گذرگاه»

در تدوین این اثر ارزشمند، سهم بارز و خدمات قابل قدر خانم تورپیکي "عزیز" را قبل از همه تمجید میکنم.

علم سنن و تجربیات عوام، برویت اسناد تاریخ

چون فرهنگ گذرگاه، آئینه زبانی بخش اهم از «علم سنن» جامعه ای ماست، پس شناخت چنین سنن را در آئینه جهانی وزمانی تاریخ باید دید که دیگران چه ارزشهای را ازین علم سنن یا تجربیات مردم شناخته اند.

قبل از دیگران عده زیادی از نویسندگان مسلمان به مسائل و موضوعات فرهنگ عامیانه پرداخته بودند. برخی از آنها همچون البیرونی و ابن خلدون مطابق به روشها و اصول خاصی که از نظر علم مردم شناسی امروزی معتبر است این علم وسیع و ارزشمند را بررسی و تحلیل کرده اند.

چنانچه ابوالحسن علی بن حسین مسعودی در قرن چهارم هجری در اثر خود به نام " مروج الذهب و معادن الجواهر " ترجمه دری (مرغزارهای زر و کانهای گوهر) یا (گذرگاهها و معدنهای گوهر) به کتابی از " ابو عقاب دبیر " توجه کرده است که این کتاب کلاً اختصاص به فرهنگ عامیانه دارد.

در اروپا (قرن هفدهم) حرکت مهمی برای ثبت مسائل فرهنگ عامه به وجود آمد. بالارد فرانسوی در 1711م. مجموعه ای از ترانه ها و عادات شفاهی مردم را جمع آوری نمود. گوتفرد هردر (1744_1803) شاعر، منتقد و فیلسوف آلمانی در آلمان تحقیقات اش را درین زمینه مستند بیرون داد. هردر معتقد بود که شعر صرفاً از طریق توجه به بافت و زمینه جغرافیایی و قومی و فرهنگی آن قابل درک است و اشعار عامیانه نه تنها زاده عملیه تفکر عقلی بلکه نتیجه ای الهامات عارفانه و عواطف شدید ملی است. وی عقیده متداول در آن روزگار را که ادبیات یونان را معیار سنجش ادبیات دیگر اقوام می دانستند رد کرد و بیش از هر چیز دیگر به ادبیات عامیانه ملت ها از آن جهت که تجلی بخش روح ملی آنها می باشد تاکید ورزید. به پیروی از هردر محققان کشورهای اروپایی یکی پس از دیگری بر آن شدند تا روح ملی خویش را در گپ و گویشهای بومی قصه های عامیانه و ترانه ها و سرودهای محلی که به زبانهای محلی گفته و نوشته شده بود باز یافتند.

بعد ها محققان انگلیسی، علم سنن مردم را نوع ارزش علمی زبانی شناختند و این دریای خروشان از تجربیات مردم را فولکلور یا «علم سنن» نامیدند و به واسطه همین نامگذاری به تحقیقاتی آثار رایج در اشعار، سنتها، افسانهها، آداب و رسوم و باورهای مردم از زمانهای دور پرداختند. که برای درک تفاهم دقیق از آثار یاد شده ضرورتی فرهنگ عامیانه در جامعه ناگزیر شد. یعنی فهم اشعار عامیانه، سنتها، افسانهها، آداب و رسوم و باورهای مردم خود ما (در افغانستان) مستلزم فرهنگهای عامیانه مانند فرهنگ جناب عبدالله افغانی نویس و فرهنگ گذرگاه از جناب عارف «عزیز» است، زیرا فرهنگ های دیگر جوابگوی نیازات وسیع و همه جانبه شده نمی توانند.

ضرورت این فرهنگ بخاطری لازمی و میرم برای افغانهاست که لغات و مصطلحات مندرج در فرهنگ گذرگاه بیشتر به افغانها مفهوم می شود تا به بیگانگان همزبان. افغانستان در گذشته چنین پدیده تدوین شده در دست نداشت تا اینکه به همت دو بزرگوار یاد شده که با معرفت ایشان این خلاء خوشبختانه موفقانه پُر شد و نیاز نسل آینده را با کار عالی ایشان برطرف کردند.

در زمان کنونی داشتن اصطلاحات «عامیانه» برای هر جامعه ضروری شده است. بطور نمونه، در امریکا به زبان انگلیسی همین خصیصه و همین فضا در فرهنگ عامیانه ایشان دیده می شود که بیشتر آن جز به امریکایی های انگلیسی زبان به بیگانگان همزبان شان مفهوم شده نمی تواند. زیرا گاهی در وقت خواندن یک متن انگلیسی باشندگان آنجا به لغات یا کلمات، بر می خورند که در نگاه اول، به معنی آنها پی بردن آسان نیست و یا معنایی که از آنها در ذهن دارند با معانی مصطلح شده همخوانی ندارد.

ازینرو در جوهرچنین لغات یا عبارات اندوخته های از معانی ارزشمند وجود دارند که برگرفته شده از گذرگاه های فرهنگ مردم است که بشکل لغات و مصطلحات زاده شده اند و نیاز میرم جامعه را بر طرف می کنند. پس

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

لازم است معانی آنها را در لغتنامه های اصطلاحات عامیانه مردم پیدا کرد. اصطلاحات عامیانه مردم را، که فلکلور شده باشد ¹ باید به فرهنگ جداگانه لغات عامیانه مراجعه کنند تا مفهوم اصلی آن کلمات را در قلمرو سرزمین خود ایشان نیک دریابند.

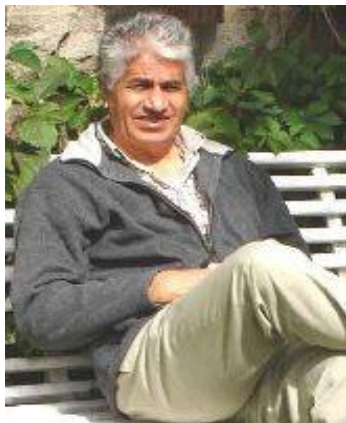
از جانب دیگر آشنایی با هر زبان دیگر تا جایی مستلزم دانستن اصطلاحات عامیانه محیطی آن زبان است و زبان آموزان به فهم لغات و عباراتی کاملاً عامیانه و ساده نیز نیاز مند می باشند که بتوانند از آنها در گفتگوهای روزانه روتین و معمولی بوجه احسن مفاد زبانی کنند تا منظور مردم را در هنگام صحبت درک نمایند. که این خصیصه در تمام زبانها همسان است. ازینرو ضرورت **فرهنگ** آنهم تحت عنوان زیبای **گذرگاه** برای باشندگان افغانستان یک امرحتمی و ضروری بود که به همت **جناب عارف "عزیز"** تا اکنون در 443 صفحه گسترش و غنای بیشتر یافته است که البته این امر ادامه دارد.

این موفقیت برای زبان شناسان و اجماع فرهنگیان افغان دارای اهمیت زیاد است، زیرا صفای زندگی در فضا و صفای بی آرایش سادگی زیباست نه در تکلف و تشریفات تصنعی و تفتنی، چراکه گپ و گویش روزمره پرفصافت از لفظ قلم دوائر است.

ویلیام تامز فولکلور و اندوخته های عوام را منحصیث **نظم علمی** می دانست. ازینرو فرهنگ عامیانه بخش اصیل از **نظام علمی، سنن مردم** و جامعه شده است.

توجه باید داشت که نابالغی جوامع، وابسته به نابالغی عوام آن نیست بلکه جامعه وقتی به روشن نگری دست پیدا می کند که شوق **اندیشیدن مستقل** در خبرگان آن ایجاد شود. یعنی بقول عوام **گپ رو (گپرو)** بودن را با شوق اندیشیدن از خود دور سازند. بار مثبت و منفی این شیوه از خبرگان جامعه بر می خیزد چراکه فضاوت بیگانگان برویت اعمال خبرگان، بالغی یا نابالغی جامعه را ارزیابی می کنند. چراکه با عوام جامعه بیگانگان کمتر در تماس اند.

در غرب، این شوه را خبرگان و تحصیل کردگان، بار اول در اجماع خود پیاده کردند که منحصیث سرمشق جوامع خود شان عرض اندام نمود.



اهمیت زمانی فرهنگ گذرگاه

افغانستان عزیز در شرایط کنونی که از هر طرف آماج تیر رس دشمنان قرار گرفته است، سرزمین است تنها شده که کمتر سنگری دفاعی برایش باقی مانده تا از آن سنگر به دفاع خود برخیزد. یا حد اقل قد راست کند. دشمن ندیخل با اجیر کردن فرزندان ناخلف این سرزمین از مبنای تجارب تاریخی دریافته اند که این کشور خارائی و شکست ناپذیر را جز با نفاق ملی بین خود افغانها، راه دیگری برای شکست دادن آنها وجود ندارد. چراکه در طول تاریخ فقط اتحاد اقوام این سرزمین بود که بزرگترین سوپر پاوران جهان را بزانو درآورد.

در تابستان (۲۰۱۸) سفری به فرانسه داشتم. در یکی از دیدارها، دوست فرهیخته و ارجمند **جناب عارف «عزیز»** که **شخص خوددار، کم ادعا ولی ژرف نگرست**، کتابی را منحصیث تحفه برایم عنایت فرمود. چون به ارزش این گنجینه تا جایی آگاه بودم، سبب خشنودی زیاد بنده گردید. بخصوص در چنین فضای نا امیدگی گسترده که کمتر خبری مثبت بگوش ما افغانها میرسد.

در شرایط کنونی این چنین آثار منحصیث سنگر استوار در برابر آماج فرهنگی دشمنان میتواند اصالت خودی اجتماعی ما را که در آن ثبت شده تضمین کند.

این گنجینه بوسیله بنگاه نشراتی که در کار خود موفق است بنام **انجمن فرهنگ افغانستان «انتشارات پامیان»** توفیق نشر یافت. (بنگاه یاد شده آثار نفیس و بهامند بیشتر فرهنگیان گرامی وطن ما را بر مبنای اعتبار کاری که دارد بشکل بسیار مرغوب بچاپ رسانیده و می رساند. تاجایکه اطلاع دارم فرهنگیان بهره مند از کار بنگاه نشراتی راضی و خشنوداند.)

¹ لغت folklor مرکب از دو بخش folk به معنی توده و مردم و lore به معنی دانش است. این لغت اولین بار در سال 1846م. توسط باستان شناس انگلیسی ویلیام جان تامز (W.g.thoms) با نام مستعار "امبروزمورتون (ambrose mortonu)" ساخته شد. ویلیام تامز، فولکلور را به عنوان جانشینی برای اصطلاح نادرست "عقیقات عامیانه" پیشنهاد کرد که عتیقه شناسان انگلیسی و زبان شناسان آلمانی در نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی برای مطالعه راه و رسم زندگی طبقات تحتانی اجتماع، ساخته بودند.

د پانو شمیره: له 2 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

جناب عارف "عزیز"، سمّت آمریت و گرداندگی این بنگاه نشراتی را در شهر « لیموژ » فرانسه مؤفّقانه در دست دارد. موصوف فرهنگی فعال شناخته شده است که در کنار امر چاپ و نشریات کتابهای هموطنان، اقدام به تدوین فرهنگ یا قاموس نموده که برای جامعه ما بسیار ارزشمند و در خور ستایش است. گرچه در فضای مهاجرت تعدادی تلاش به زراندوزی کردند. مگر خبرگان ارجمند، وطن را فراموش نکرده بل بقدر توان در راه مرمت فرهنگ جنگ زده مصدر خدمات شایانی شده اند. جناب عارف "عزیز" تجدید و احیاء فرهنگ و وطنی را برخواست های تفننی ترجیح داده مسئولانه به آن پرداخته است. (کارنشرات و تدوین فرهنگ گذرگاه سند ادعای ماست.)

ارزش این فرهنگ نفیس و ادارم ساخت تا با علاقه به جزئیات آن بپردازم. برای شناسایی بیشتر این سنگر اهم، باید به تاریخ مختصر این چنین سنگر های فرهنگی در کشور خودما افغانستان پرداخته شود. در دوران دیموکراسی (ده سال اخیر محمدظاهرشاه) در بخش فرهنگ سازی و فلم سازی غرض حفظ داشته های فرهنگی افغانها کارهای جدی از جانب خبرگان کشور براه افتاد. جامعه شاهد بود که درین اقدام گروه از فرهیختگان اقدام به تدوین « دایرة المعارف آریانا»^۲ و در کنار آن اقدام به دوپلاژ فلم های خارجی به دو زبان رسمی کشور، همچنان اقدام به تولید فلم شروع شد که سنگر فرهنگی ما را استقامت بیشتری بخشید. متأسفانه دشمنان محیل همسایه با پخش پول سرشار (باد آورده از نفت) آن خدمات اصیل را مانع شد و سرنوشت همه خدمات یاد شده به نحوی تخریب گردید^۲ یعنی با دست درازی های دشمنان افغانستان (بخصوص همسایگان) بشکل تدریجی آن خدمات را به مقصد توقف دادن، تحت فشار سخت قرار دادند که به تدریج روبه تضعیف نهاد. ^۴ کار فلم سازی و دوپلاژ فلم بجای تشویق و تکامل متوقف شد و به جای آن واردات فلم های مستهجن و بازاری ایرانی و هندی رونق بیشتر یافت. اکنون بدون شک مرمت کاری فرهنگی (چه کوچک و چه بزرگ باشد)، متضمن تکامل فرهنگی جامعه ما می شود.

مقدمه، تقریظ، دیباچه و خیرمقدم (عناوینی از نوشته ها، در صدر کتاب فرهنگ گذرگاه)

با نظر داشت گزارشات فوق، مقدمه، تقریظ، دیباچه و خیرمقدم هرکدام آنها در ظرفیت توانایی اندیشه و قلم صاحبان محترم آنها، زیبا و مدیرانه تحریر یافته اند، که قابل ستایش اند. فقط با نکاتی که ضرورت آن در تقریظ نویسی صواب نبود، با آن موافق نیستم. زیرا ترکیب **کوچه بازاری** و **ویا زبان زرگری** هر دو اصطلاح به فرهنگ **علم سنن** نمی چسبند. پس چرا ویی جهت فرهنگ نفیس اصطلاحات عامیانه معتبر را ندانسته با چیزی همردیف سازیم که نشانه نا آگاهی خود را در زمینه برملاء نموده باشیم؟ درحالیکه **تقریظ**، تقدیر آگاهانه برویت ارزش اثر است نه اینکه نا آگاهانه ارزش اثر را کم بهاء جلوه دهد. در فوق ارزش چنین آثار گرانبها را " **مروج الذهب و معادن الجواهر** " ترجمه دری (مرغزارهای زر و کانهای گوهر) یا (گذرگاهها و معدنهای گوهر) یافتیم.

بدون شک تقریظ نگار محترم خواسته است فرهنگ را در ساحه **کوچه و بازار** نیز مدنظر داشته باشد و قصدی نامطلوب را از آن نداشته است. اما چون کلمات **کوچه بازاری** و **ویا زبان زرگری** و با **تشدید** بخش از استثنای جامعه (گروه دزد و اوباش) که در ذات خود بار سخیف منفی غلیظ دارند ناخود آگاه در تقریظ آوردن، بهر شکلی که باشد، غیر مستقیم سبب صفات ادنا به لغات و لغتنامه مردم می شود که برنو آموزان جوان جامعه در بخش لغات (علم سنن) تأثیر منفی دارد. در حالیکه گپ و گویشهای ارزشمند از بحر بزرگ اندیشه و تفکر مردم که در زبان شناسی مدرن اهمیت بسزای دارد. متأسفانه با موجودیت چنین کلمات آنهم در تقریظ، صلاح نیست.

چنین دیدی، تفصیر تقریظ نویسی گرامی نیست بلکه در قرون اوسطی در جوامع غربی، نیز به چنین فرهنگ ارزشمند توجه نمی کردند، اما با پیمودن خم و پیچ زمان، غرب متمدن شده نیز قبول کرد که چنین گویش ها و فرهنگ ها، ارزش همسان با گپ و گویش ها و فرهنگ های ادبی دارند. زیرا مادر ادبیات بلند در جوامع، همین فرهنگ مردم است. پس این دو اصطلاح ناصواب خوشبختانه با اصطلاح **گذرگاه، کوچه** یا در زبان فرانسوی Argot، در انگلیسی (Street talk) مغایر است. حتی نشانه بیگانگی بامفهوم دارد.

^۲: مانند سرنوشت چینی سازی شاکر در بخش صنایع کشور و غیره
^۳: فقط به حرف الف دایرة المعارف آریانا توجه شود که در سه جلد بسیار حجیم و مبسوط تدوین شده و زمانیکه مغرضین دشمن متوجه وسعت کار دایرة المعارف آریانا می شوند آهسته آهسته دست به تخریب میزنند و این نهال تازه غرس شده را طوری در انحصار قرار می دهند که کار آن بجای رشد خشک می شود.
^۴: سند ادعای ما فقط یک حرف الف در سه جلد حجیم و مبسوط است ولی سی و یک حرف دیگر در سه جلد معمولی، عادی بنظر نمی رسد.
^۵: زیباترین دوپلاژ فلم روسی رومانیتیک بنام **گلان دیر و زندیدل** به اندازه زیبا دوبله پشتو شده بود که بعد از پایان فلم بیشتر هموطنان به زبان پشتوی خود ما با علاقه کلمات پشتو را تکرار می کردند. بعد از توقف دوپلاژ فلم ها به زبان دری و پشتو، سیل فلم های هالیوود دوبله بزبان فارسی ایرانی مفت و مجانی به وزارت مطبوعات وقت از طرف ایران سرازیر شد. مانند سقوط امپراطوری روم. السید، بودا و غیره
و تولید فلم مانند **فلم رابعه بلخی** که دایرکتر آن عوض می شود و مسیر آنرا ادنا تغییر می دهند.

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

برداشت و ترجمه ناسالم از کلمات **زبانهای فرنگی** اولین بار در ایران کلمه **کوچه بازاری** نادرست را به فرهنگ عوام نسبت دادند. همانطوریکه به بسیاری از کلمات فرنگی حساب شده جفای نا بخشودنی از جانب مترجمین ایرانی صورت گرفته است. بطور نمونه در ترجمه کلمه «intellectual» نیز این خطا بوضاحت دیده می شود، که کلمه «روشنفکر» بجای «intellectual» فرنگی صواب نیست و آن مفهوم وسیع «intellectual» را دارا نمی باشد. ازینرو نویسندگان ایرانزده غیر دقیق خود ما متأسفانه به تاسی از کلمات نادرست ایرانی ها سهل انگارانه توجه جدی به معنی و مفهوم و تأثیرات منفی آن در جامعه نکرده طوطی وار اغلاط مشهور شده دیگران را تکرار می کنند. که این نقیصه خوشختانه بنابه توجه به ماهیت و جوهر موضوع از طرف جناب آقای عارف "عزیز" در افغانستان و از طرف احمد شاملو در ایران موزون و حساب شده نامگذاری شده است. این دو بزرگوار خلاف مسیر نادرست زمانه رفته اند، جناب احمد شاملو آگاهانه عنوان کتاب را که **گنجینه بزرگ عامیانه ملی** است فقط «کوچه» تحت بار مثبت نام مانی (نامگذاری) کرده است.

جناب احمد شاملو دقیق میدانست که کلمات **کوچه بازاری** و **زبان زرگری** به چنین فرهنگی نادرست است. او کلمه **کوچه** را که تعریف آن در بخش **علم سنن یا تجربیات عوام برویت اسناد تاریخ** در فوق بیان شد آگاهانه انتخاب کرده است.

انتخاب اسم فرهنگ «گذرگاه»

اسم این کتاب با مسمی «فرهنگ گذرگاه» گذاشته شده است. یک انتخاب عالی و مدیرانه است که کلمه «گذرگاه» زیباتر از کلمه «Street» انگلیسی و زیباتر از کلمه «کوچه» دری و فارسی می باشد. چرا که فرهنگ عامیانه را در زبان انگلیسی «Street talk» نامیده اند و در ایران بوسیله احمد شاملو کتاب «کوچه» نامگذاری شده است. اما انتخاب کلمه «گذرگاه» با وجودیکه معنی «Street» و «کوچه» را با بار مثبت دارا می باشد مگر کلمه «گذرگاه» سنگین تر نسبت به آن دو، انتخاب و تعیین یافته است.

کلمه «گذرگاه» در افغانستان ذو معنیهایی است که در کنار معنی "سرک و خیابان و جاده و طریق و صراط"، تداعی منطقه زیبای از شهر افسانوی کابل را نیز به همراه دارد.

(این منطقه از نظر ظهیرالدین محمد بابر مؤسس امپراتوری مغول در هند، یگانه جای مورد پسند اش گذرگاه کابل بود که در تمام قلمرو امپراطوری وی نظیر نداشت. از همین سبب خود را در ایام تابستان به این نقطه زیبا می رساند. زمانیکه بابر وفات کرد بنابه وصیت خودش جسد او را از هند به همین نقطه یاد شده (گذرگاه کابل) آوردند و در باغی بزرگی بلا تشبه بهشت مانند (گذرگاه کابل) که بفرمان بابر امپراطور، زیبایی بیشتری یافته بود جسد اش را در همین باغ دفن کردند.)

همچنان «گذرگاه» محل بود و باش مؤلفین کتاب (خانم و آقا "عزیز") است که قبل از مهاجرت درین نقطه محبوب از شهر باستانی و تاریخی کابل سکونت داشتند. پس حرمت گذاشتن به مسکن نیز درین عنوان دخیل می باشد. در کنار برجسته گی های یاد شده کلمه «گذرگاه» با بار مثبت محل عبور اهالی بهم نزدیک را نیز در بر دارد که «فرهنگ گذرگاه» بر آن محور خردمندانه می چرخد. چنین اسمی بر فرهنگ عامیانه کشور معرف ذوق خلاق تدوین گران آن است.

تفاوت بین کلمه «گذرگاه» و «کوچه»

ببینیم که چون لغات با اسم «کوچه» و یا «Street» همگام شده اند، اول باید معنی «کوچه» و یا «Street» را بخاطر ارتباط دادن به لغات، بشناسیم.

«کوچه» و یا «Street» در مفهوم و معنی یادشده عبورگاه و راه بین منازل مسکونی که غرض همزیستی مشترک در یک منطقه احداث شده باشد اطلاق می شود. این لغت بار مثبت و منفی دارد، چرا که «کوچه» نسبت به حریم داخل خانه، جای بیرونی یا جایست که بیگانان هم در آن رفت و آمد دارند. بخش اندک بار منفی این کلمه از همین جاست. اما چون هر کوچه نسبت به کوچه های بیگانه دیگر دوستداشتنی ترین منطقه خودی برای اهالی آن منطقه می باشد که در آن همسایگان آشنا و محترم زندگی باهمی دارند. خیر و نیکوئی شان به همدیگر صمیمانه

د پانو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

میرسد. ازینروست که باشندگان را با محبت «کوچه گی» خطاب می کنند. اصطلاح کوچه گی صفت صمیمی و احترامانه به اهالی اطلاق می شود که در همان منطقه حضور دارند. (بقول عوام: از صد خویش یک همسایه بیش). کلمه کوچه در ادبیات نیز جای ارجمند و دوست داشتنی را احراز کرده است.

هرلغتی که در فضای همزیستی با همی بین الاقوامی در محدوده جغرافیای سیاسی در یک قلمرو مشخص تبارز کرده و از اجزای گویش کوچه ها مشتق شده باشد. چنین لغات را دانشمندان زبان شناسی، لغات فلکلور شده نیز می شناسند. لغات فلکلور مورد پسند همه اتباع قرار داشته بمرور زمان در محاوره زبانی جامعه جای پیدا کرده، هم سنن وهم زبان را بیشتر در رساندن تفاهم کمک می کنند، چنین لغاتی در برجسته کردن پیام ها به مخاطبین سهولت مطلوبی را ایجاد می نماید. مشروط بر اینکه اعتبار پذیرش جامعه را حاصل کرده باشند.

ناگفته نماند که زبان در پوهنتون ها ساخته نمی شوند بلکه دانشگاه یا و پوهنتون فورم زبان ها را برویت نیازات جامعه شناسایی، تعیین و تعیین ارزش می کنند. بیشتر لغات عامیانه بشکل اصطلاحات عرض اندام کرده وادبی شده اند که در جوشش جامعه زاده شده، مورد پذیرش قرار گرفته اند. مشت نمونه خروار کلمه معتبر شده « سپوتاز » فرانسوی مخلوق عوام بوده که کلمه ادبی و جهانی شده است.

(در پارلمان دهقانی فرانسه زمانیکه دهقانان در برابر سخنان وکلای پارلمان دهقانی اعتراض می کردند دهقانی برسم اعتراض سبو) بوت یا کفشهای چوبی فرانسوی مروج) خود را بر زمین می شقیدند) تج یا تاژ یعنی تماس (میدادند و سرو صدا ایجاد می کردند. ازینرو هم اداره کنندگان وهم مؤلفین دهقانی در موضوع، تکرار در تکرار خواهش می کردند تا بوت ها (سبوها) را بر زمین تماس ندهند و زغ، زغ یا سرو صدا نه کنند. اینک همان حرکت اعتراضی مردم بود که حیثیت ادبی جهانی بخود گرفته است. و کلمه ادبی شده « سپوتاز » وزین را ساخته اند.) جوشش جامعه را در اشکالی گوناگون دیده می توانیم، چراکه جوامع از حالت متفاوت غیر متشکل تلاش دارند تا شکلی جمعی اعضای مختلفه اجتماع را با یک هویت منسجم و احساس سرنوشت مشترک برای اکثریت جامعه سامان دهند. چنین پدیده را نباید سطحی کوچه وبازی یا زبان زرگری باشدت دزد و اوپاش همردیف کرد.

مفاد ارزنده « فرهنگ گذرگاه »:

کلمه « فرهنگ » در مجموع پدیده ایست شکل یافته که از دست آورد های نیک اجتماعات مردم حاصل می شود. زیرا خصوصیات مستقله عام شده در جوامع که منافی انسانیت نباشد بنام فرهنگ کلچر یا کلتور یاد می شوند. پس فرهنگ در ذات خود، کلیت کرکتر جامعه را می سازد. به زبان ساده آن خصوصیات که در قلمرو مستقله از قریه و قصبه گرفته تا شهر ها و از مجموعه کلیت کشور برخاسته باشند فرهنگ ملی آن کشور را می سازد. زیرا خصوصیات مستقله هر کشور بنابه تماس های مکرر زمانی و همزیستی با همی ساخته می شوند. فرق بین کلمه « هموطن» و « غریبه» (بیگانه و خارجی) از همین جا متمایز می شود. بطور مثال هر جامعه مثل یک فامیل است که در آن اعضای فامیل با سلیقه ها و اندیشه های مختلفه اندیشه های سلیم نیا، اسلاف و گذشتگان خود را منحیث فرهنگ خانواده گرامی داشته، از آن حراست و پیروی می کنند. اما برای فامیل های بیگانه کلاً مفهوم شده نمی تواند. چراکه «همسایگان بیگانه» میراث های اجدادی خود را دارند. پس چنین اصطلاحی در کلیت فامیلی کشوری که دارای همزیستی با همی باشند فرهنگ خودی و داخلی پنداشته شده که با خارجی ها فرق فاحش دارد. در اختصار اصطلاح ملت بیک فامیل بزرگ که همزیستی با همی در محدوده کشوری داشته باشند اطلاق می گردد.

پس فرهنگ های افغانها مثل « دایرةالمعارف آریانا »، « قاموس کبیر افغانستان »، « لغتنامه عبدالله افغانی نویسن »، « فرهنگ گذرگاه » و غیره از جمله سنگر های مستحکم اند که به منظور حفظ داشته های ملت افغان به جمع آوری لغات کلمات، اصطلاحات و خصوصیات فرهنگی جامعه افغانی تلاش شده است که مردم را با داشته های خود ایشان آشنا کنند تا از نفوذ لغات نا مأنوس، مغرض و بی ریشه در امان بمانند. در غیر آن ایجاد لغتنامه های وطنی و خودی بی مفهوم می شوند. تلاش برحق خبرگان هر کشور بخاطر صیانت از کلیت فرهنگ ملی ایشان بوده نه چیز دیگری.

اگر به گذشته فرهنگها نظر اندازیم می بینیم که امرای افغان در هند سبب رواج فرهنگ دری نیز شدند چون برجسته ترین قاموس زبان دری (فخر قواس) است که در هند تدوین و نشر شد مؤلف آن «مبارک شاه غزنوی» مشهور به فخر قواس میباشد. مقارن با دولت غوریان افغان در هند.

وقتی که زبان دری را سکندر لودی افغان در هند رواج و رسمیت داد به دنبال آن قاموسهای لغات دری به تدریج بیشتر شدند که افغانستان ایران امروزه و تا جکستان از خود قاموس یا فرهنگ زبان تا آن زمان نداشتند.

۵: به این لینکها مراجعه شود http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/farani_m_tarweje_zabane_dari_dar_hend.pdf
http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/m_farani_satehinageri_mortabet_ba_zaban_2.pdf

د پانوی شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلینکی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

اصطلاح فرهنگ بجای قاموس یا لغتنامه ها باز هم ابتکار افغانهای دری زبان در هند بود. چون لغتنامه ها را منحیث بخش اصیل از فرهنگ جامعه می شناختند بجای لغتنامه یا قاموس، از کلمه «فرهنگ» کار گرفتند. لغتنامه های «پارتی دری» تدوین شده در هند، بنابه نیاز به دسترسی همه دری زبانان جهان قرار گرفت.

تا اینکه در عهد محمد ظاهر شاه در افغانستان بار اول **دائرة المعارف آریانا** و در ایران امروزه با پشتیبانی وزارت اطلاعات و فرهنگ، و مجلس شورای ملی آن کشور توسط چهل نه نفر همسان دهخدا به ریاست علی اکبر دهخدا با امکانات وسیع مالی و با حمایت گسترده دولتی، به سال - ۱۳۵۷. قادر شدند بخش از لغتنامه دهخدا را به دسترسی تمام جامعه قرار دهند. با اینکه در سال ۱۳۱۹ شروع بکار کرده بودند. نا گفته نماند که لغتنامه دهخدا با وجود وسعت و ضخامت آن متأسفانه دارای کاستی های فراوان است.

قاموس های یاد شده فوق افغانها در مهاجرت فقط با حمایت چند تن از ملیگرایان خبیر در شرایطی که بودجه و حامی دولتی نداشتند اما موفق به تدوین قاموس های افغانی شده اند که بدون شک در کنار کاستی های اندک، خوشبختانه هم اکنون این فرهنگهای نوزاد، صاحب اعتبارات ملی اند.

نگارنده منحیث نماینده تیم کاری «قاموس کبیر افغانستان» تریکات قلبی تیم را بخاطر تدوین «فرهنگ گذرگاه» به مؤلفین آن هریک **خانم تورپیکی "عزیز"** و **جناب عارف "عزیز"** تقدیم داشته مؤفقت بیشتر ایشانرا در زندگی آرزومند اند. همچنان افتخار دارند که چنین گنجینه را افغانستان به همت ایشان صاحب شده است. نگارنده این سطور نامه را با جمله زیبای **جناب ولی احمد نوری** اختتام می بخشد - **خانم تورپیکی و آقای عارف "عزیز"** را خداوند همیشه عزیز شان داشته باشد". تمت

منابع :

مقدمه - تقریظ - دیباچه - خیرمقدم : موجود در کتاب فرهنگ گذرگاه

سرنوشت: دائرة المعارف آریانا

قلم سازی و دوبلاژ قلم ها و سرنوشت آنها

تاریخ مردم شناسی . ژان پواریه .

جامعه شناسی هنر . امیر حسین آریان پور . دانشکده هنرهای زیبا . چاپ اول . تهران 1354.

شکل شناسی قصه های پریان . ولادیمیر پراپ.

ریشه های تاریخی قصه های پریان . ولادیمیر پراپ

کتاب سنت. از ماکس رادین .

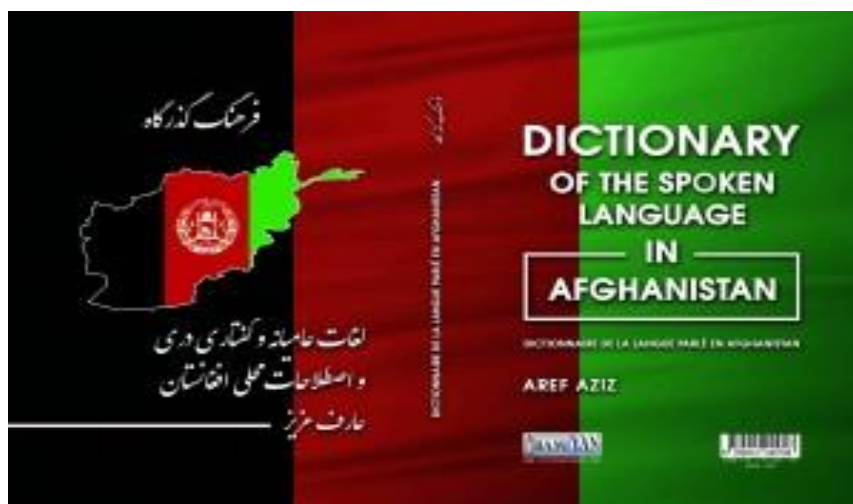
مبانی جامعه شناسی. هانری مندراس .

بازخوانی و بررسی دقیق تر «زبان، اصطلاحات و ادبیات عامه»

مقاله - قضاوت یکجانبه ، عادلانه نیست! در باره سطحی نگری،

سطحی انگاری و سطحی نگاری مرتبط بزبان

لودی ها و ترویج زبان دری در قاره هند



د پانو شمیره: له 6 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ